

## خانه شریک

خانه عقل پس پرده غفلت تاریک  
 نور آگاهی میانش به نظر ها باریک  
 تا که داغی نزند پای، دل آبله را  
 نشود دست طلب بر خط رخشان نزدیک  
 سرنوشت بُرد به دنبال، جوانی ز کفم  
 پختگی بُرد گرانباری جان از من نیک  
 شعله آتش معنی که برآید به زبان  
 لب خاموش شود هم به جهیدن تحریک  
 فکر، آبستن از اندیشه معنا سنگین  
 هستی می زاید اگر دور رود از تشکیک  
 عالم علم یقین است رگِ خون جگر  
 تا که با قند تغافل نشود خانه شریک  
 غلتد از عجز سر، ار نیست به گردن محتاج  
 «واهباً» کیست که داند هنر این تفکیک

۲۹-۰۶-۲۰۱۲

میامی